


Etymology of the emergence of pre-Islamic worship before the Prophethood Based on the role of the element of insight in the cultural system

Seyed Rasoul Mirashrafi¹ \ Amir Mohsen Erfan² \ Mohammad Hossein Daneshkia³

1. PhD student in Islamic History and Civilization, Maaref University (corresponding author).
s.r.mirashrafi64@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, Islamic Education University.
erfan@maaref.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Islamic History and Civilization, Islamic Education University.
daneshkia@maaref.ac.ir

Abstract Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p>  <p>Received: 2023.06.10</p> <p>Accepted: 2023.11.15</p>	<p>Individual and social behaviors mainly have an origin and source. Paying attention to the elements of insight and value as behavioral elements of the cultural system is essential in the behavioral analysis of any society. In fact, the etymology and origin of behavior play an important role in behavioral analysis. Accordingly, in the analysis of the behavior of any society, we need an etymological approach to the emergence of the aforementioned behavior. On this basis, the present study has considered the worshipful behaviors such as idolatry, worship of celestial bodies, worship of angels and demons, and the pilgrimage of the pre-Islamic society from the perspective of their origins and causes of occurrence using a descriptive-analytical method, and it was determined that the origin of such behaviors was the existence of incorrect insights in the pre-Islamic society. Behavioral etymology is actually a type of cultural analysis in which the cultural actor is analyzed and analyzed in terms of the etiology of behavior. Thus, ignorant behaviors have the ability to develop in a transtemporal and transspatial manner.</p>
Keywords	Elements of the cultural system, cultural system, ignorant society, cultural system of ignorant society, ignorant worship.
Cite this article:	Mirashrafi, Seyed Rasoul, Amir Mohsen Erfan & Mohammad Hossein Daneshkia (2025). Etymology of the emergence of pre-Islamic worship before the Prophethood Based on the role of the element of insight in the cultural system. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 16 (1). 93-120. DOI: 10.22034/16.58.91
DOI:	https://doi.org/10.22034/16.58.91
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

معرفة منشأ تواجد العبادة الجاهلية قبل المبعث على اساس دور عنصر الرؤية في النظام الثقافي

سيد رسول ميراشرفي^١ / امير محسن عرفان^٢ / محمد حسين دانشكيا^٣

١. طالب دكتوراه مدرس معارف فرع التاريخ و الحضارة الاسلامي (الكاتب المسؤول).

s.r.mirashrafi64@gmail.com

٢. استاذ مساعد فرع التاريخ و الحضارة الاسلاميه بجامعة المعارف الاسلاميه

erfan@maaref.ac.ir

٣. استاذ مساعد فرع التاريخ و الحضارة الاسلاميه بجامعة المعارف الاسلاميه

daneshkia@maaref.ac.ir

ملخص البحث	معلومات المادة
<p>السلوكيات الفردية و الاجتماعية لها منشأ و منبت رئيسي. الاعتناء بعناصر الرؤية و القيمه باعتبارها عناصر هو السلوك المولد للنظام الثقافي، امر ضروري في تحليل سلوك كل مجتمع. في الواقع معرفة المنشأ و ايجاد منبت السلوك، تلعب دوراً هاماً في التحليل السلوكي. علي هذا الاساس لتحليل سلوك اي مجتمع هناك حاجة الي وجهة معرفه السلوكية في ايجاد السلوك. علي هذا الاساس فان البحث الحاضر اهتم بالسلوكيات العباديه من قبيل عبادة الاصنام، عباده الاجرام السماوية، عبادة الملائكة و الأجنه و الحج الجاهلي للمجتمع الجاهلي من منظار المنشأ و الاسباب الموجدة لها باسلوب توصيفي - تحليلي و تبين ان منشأ ايجاد مثل هذه السلوكيات، وجود الرؤي الخاطئه في المجتمع الجاهلي. معرفه المنشأ السلوكي هو في الواقع نوع من التحليل الثقافي الذي يتم دراسته الفاعل الثقافي من منظار معرفه علة السلوك. هكذا فالسلوك الجاهلي قابله للتوسع بشكل ماوراء الزمان و المكان.</p>	<p>نوع المقال: بحث</p> <p>تاريخ الاستلام: ١٤٤٤/١١/٢١</p> <p>تاريخ القبول: ١٤٤٥/٠٥/٠١</p>
عناصر النظام الثقافي، النظام الثقافي، المجتمع الجاهلي، النظام الثقافي للمجتمع الجاهلي، عبادة الجاهليه.	الألفاظ المفتاحية
ميراشرفي، سيد رسول، امير محسن عرفان و محمد حسين دانشكيا (١٤٤٦). معرفه منشأ تواجد العبادة الجاهلية قبل المبعث علي اساس دور عنصر الرؤية في النظام الثقافي. مجلة تاريخ الثقافة و الحضارة الإسلامية. ١٦ (١).	الاقتباس:
DOI: 10.22034/16.58.91. ٩٣ - ١٢٠	رمز DOI:
https://doi.org/10.22034/16.58.91	الناشر:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.	



تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۶، بهار ۱۴۰۴، شماره ۵۸

خاستگاه‌شناسی پیدایی عبادت جاهلی قبل از بعثت مبتنی بر نقش عنصر بینش در نظام فرهنگی

سید رسول میراشرفی^۱ / امیرمحسن عرفان^۲ / محمدحسین دانشکیا^۳

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف رشته تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

s.r.mirashrafi64@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. erfana@maaref.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. daneshkia@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۹۳ - ۱۲۰)</p>  <p>مقاله مستخرج از رساله دکتری</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۴</p>	<p>رفتارهای فردی و اجتماعی عمدتاً دارای منشأ و خاستگاهی هستند. توجه به عناصر بینش و ارزش به عنوان عناصر رفتار ساز نظام فرهنگی، در تحلیل رفتاری هر جامعه امری ضروریست. در واقع خاستگاه‌شناسی و منشأیابی رفتار، نقش مهمی در تحلیل رفتاری ایفا می‌کند. بر همین اساس در تحلیل رفتار هر جامعه نیازمند رویکردی خاستگاه‌شناسانه در پیدایی رفتار مذکور هستیم. بر همین مبنا پژوهش حاضر رفتارهای عبادی از قبیل بت پرستی، پرستش اجرام آسمانی، پرستش ملائکه و اجنه و حج جاهلی جامعه جاهلی را از منظر خاستگاه و علل پیدایی با روش توصیفی - تحلیلی مورد توجه قرار داده و مشخص گردید که منشأ پیدایی این قبیل رفتارها، وجود بینش‌های ناصواب در جامعه جاهلی بوده است. خاستگاه‌شناسی رفتاری در واقع نوعی تحلیل فرهنگی است که در آن کنشگر فرهنگی از نظر علت‌شناسی رفتار مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد. بدین سان رفتارهای جاهلی قابلیت توسعه به صورت فرازمانی و فرامکانی را دارا هستند.</p>
واژگان کلیدی	عناصر نظام فرهنگی، نظام فرهنگی، جامعه جاهلی، نظام فرهنگی جامعه جاهلی، عبادت جاهلی.
استناد:	میراشرفی، سید رسول، امیرمحسن عرفان و محمدحسین دانشکیا (۱۴۰۴). خاستگاه‌شناسی پیدایی عبادت جاهلی قبل از بعثت مبتنی بر نقش عنصر بینش در نظام فرهنگی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. ۱۶ (۱). ۹۳ - ۱۲۰. DOI: 10.22034/16.58.91
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/16.58.91
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

نباید از نظر دور داشت که فرهنگ جاهلی را نمی‌توان - و نباید - پدیده ساده اجتماعی به حساب آورد. درواقع «جاهلیت» چارچوبی برای زندگی به شمار می‌آید که دارای مبادی مشخص مادی و معنوی است و قادر است برای مدت زیادی در تدبیر امور جوامع توفیق داشته باشد.^۱ مکه از این منظر، مهد «فرهنگ جاهلی» به شمار می‌آید؛ آن‌گونه که اصول فرهنگ جاهلی در کلیه لایه‌ها و سطوح زندگی فردی و جمعی افراد آن شهر نهادینه شده بود. لذا لذا پژوهش حاضر در مقام تبیین کلامی عقاید یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئیان جزیره العرب مقارن ظهور اسلام نیست. ایستادگی جدی مکه در مقابل دین جدید، به‌گونه‌ای که به‌سختی - و پس از مدت زیادی - به‌سوی این مکتب تازه گرایش یافت، به دلیل استقرار فرهنگ جاهلی در آن بود که به‌شدت نیروی مقاومت (ناشی از تعصب) را تولید می‌کرد. ایستادگی قریش در مقابل پیامبر ﷺ و دعوت ایشان، نه اقتصادی و سیاسی، بلکه «فرهنگی» بوده است؛ زیرا قریش حاضر بود به‌نفع استمرار فرهنگ جاهلی، از منافع اقتصادی و سیاسی خود چشم‌پوشی، و پیامبر را با خود شریک کند. درواقع محتوای دعوت قریش از پیامبر ﷺ آن بود که حضرت، چارچوب گفتمان جاهلی را بپذیرد و در عوض از مواهب مادی قریش - همچون دارایی، قدرت سیاسی و لذا دنیوی - بهره‌مند شود. اینکه پیامبر نیز این پیشنهاد را نپذیرفت، دلالت بر آن دارد که طرفین از عمق تعارض بین دو «فرهنگ» آگاه بودند. این امر، مرز بین «الوهیت» و «جاهلیت» را به‌مثابه دو گفتمان پدید آورد.^۲ نباید از نظر دور داشت که فرهنگ جاهلی با همان ویژگی‌های خاص از نظرگاه قرآن کریم، یک مدل قابل توسعه به جوامع دیگر، ازجمله جوامع معاصر می‌تواند باشد و امتداد تفکر جاهلی را در رفتارهای جوامع کنونی می‌توان به‌روشنی دید.

فرهنگ پژوهان معتقدند که فرهنگ طی فرایند تاریخی با محوریت سه حوزه باورها، ارزش‌ها و رفتارها، فرد و جامعه انسانی را به‌سمت اهداف و ایدئال‌های مطلوب، رهنمون می‌شود.^۳ به بیان دیگر، عناصر تشکیل‌دهنده نظام‌های فرهنگی در جوامع که ساختار فرهنگی آنها را در بر می‌گیرند، این سه لایه می‌باشند و اینکه رفتارها درنهایت، زاییده فضای بینشی در هر جامعه هستند.^۴ به دیگر سخن، بینش به‌عنوان عنصر رفتارساز در این نگارش مدنظر قرار گرفته و رفتارهای عبادی، از حیطة باورها متأثرند.

۱. الجحانی، *التحول الاقتصادي والاجتماعي في مجتمع صدر الاسلام*، ص ۶۷.

۲. ر. ک: حاج حسن، *حضارة العرب في صدر الاسلام*، ص ۷۶.

۳. پیروزمند، *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*، ص ۱۵۰.

۴. همان، ص ۱۴۸.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که جامعه جاهلی از منظر عناصر و لایه‌های نظام فرهنگی، چگونه تحلیل و بررسی می‌شود. به دیگر سخن، رفتارهای عبادی که در جامعه جاهلی بروز داشته، ناگزیر باید خاستگاهی برگرفته از دو عنصر بینش و ارزش را داشته باشد که این رفتارها از آن منشعب گردند. در این جایگاه به تبیین خاستگاه رخدادهای عبادی بر مبنای منشأ بینش می‌پردازد؛ اینکه این خاستگاه چگونه موجب به وجود آمدن این رفتارها می‌شوند.

پیشینه‌شناسی پژوهش

از آنجاکه مسئله پیش رو برای نخستین بار با رویکرد پژوهشی بررسی می‌شود، فاقد پیشینه خاصی است؛ اما با نگاهی کلی به جامعه جاهلی، تغییرات، رفتارشناسی و فرهنگ جامعه جاهلی، پژوهش‌هایی در قالب کتب و مقالات نگاشته شده؛ از جمله: کتاب *سیره پیامبر اعظم در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی* از انتشارات بوستان کتاب؛ کتاب *رفتارشناسی مردم در برابر دعوت پیامبر اکرم از منظر قرآن و حدیث*، از انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ و نیز مقالاتی چون «پیامبر اسلام و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی»، چاپ‌شده در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۴ و ۴۵؛ و تحقیقی درباره جاهلیت و فرهنگ جاهلی، چاپ‌شده در مجله *پژوهش‌های قرآنی* شماره ۳۲. این آثار صرفاً توصیف، بررسی و دسته‌بندی رفتارهای رایج در جامعه جاهلی و تصمیمات نبی اکرم ﷺ در تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است. نوشته پیش رو، منشأ بینشی را در پیدایی رفتارهای عبادی در جامعه جاهلی بررسی و تحلیل کرده که این پژوهش‌ها فاقد چنین مطلبی می‌باشند و تفاوتشان با این مقاله در همین است.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است که کنش‌های عبادی جامعه جاهلی را که از بینش‌های ناصواب این جامعه شکل گرفته است، بررسی و تحلیل کند. هیچ یک از تحقیقات یادشده با محوریت این مسئله به نگارش درنیامده است و همین نکته، ضرورت پژوهش در این باره را دوچندان می‌کند. به نظر می‌رسد که با تحلیل کنش‌های موجود در جامعه جاهلی بر اساس لایه‌بندی‌های عناصر نظام فرهنگی، می‌توان فرهنگ جامعه جاهلی را دقیق‌تر واکاوی کرد.

ضرورت‌شناسی تحلیل فرهنگی عبادت‌های جاهلی با تأکید بر خاستگاه‌شناسی فرهنگی

وجه اهمیت عناصر ریشه‌ای فرهنگ در این است که اصلاح فرهنگی اسلام در جامعه، نیازمند بررسی عناصر ریشه‌ای فرهنگ جامعه و تلاش برای تکامل و تعالی آن است. طبیعی است که در این صورت، عناصر غیرریشه‌ای نیز به هر نسبتی که از محتوا و بار ارزشی برخوردار باشند، به‌عنوان عناصر تابع و پیرو،

به سمت اصلاح و رشد حرکت خواهند کرد. تا وقتی در خلأها و کاستی‌های بینشی فرهنگ جاهلی، تأمل نشود، آورده فرهنگی اسلام را نیز به درستی نشناخته‌ایم.

از سویی فرهنگ جاهلی با همان ویژگی‌های خاص از نظرگاه قرآن کریم،^۱ یک مدل قابل توسعه به جوامع دیگر است و قرآن کریم صرف‌نظر از زمان و مکان خاص، آن را تخطئه می‌کند. اگر قرآن فرهنگ‌های دیگر را به نقد می‌کشد، به جهت انطباق آنها با مدل فرهنگ عصر جاهلی است و آنها نیز به معنای دقیق، فرهنگ جاهلی‌اند. فرهنگ قرآن با فرهنگ جاهلی تفاوت دارد و امتداد قرآن در همه زمان‌ها به معنای نزاع این دو فرهنگ در همه زمان‌هاست.^۲

«جاهلیت» در تحلیل اسلامی، یک مقطع تاریخی ساده ارزیابی نمی‌شود، بلکه به دلیل ساخت آن بر پایه اصول، مبانی و الگوهای رفتاری خاص، یک «گفتمان» تعریف می‌شود که در هر دوره و زمانه‌ای امکان حضور و حاکمیت دارد. از این منظر، شاید دیدگاه اندیشه‌گرانی چون سید قطب قرین صحت است که از عدم انحصار زمانی و مکانی «جاهلیت» سخن گفته، معتقد بود که جاهلیت قرن بیستمی همانند جاهلیت نخست، معنادار و حتی تأثیرگذار است و شاخصه‌های جاهلیت، «معرفتی» و «رفتاری» است تا «زمانی» و «مکانی». برای همین، از جاهلیت‌های مدرن و نوظهور سخن می‌گوید^۳ که بسیار هم توسعه‌یافته است. اما تلقی گفتمانی وی از جاهلیت، صحیح و منطبق با آموزه‌های اسلامی است که سعی در نقد، نفی و از بین بردن «گفتمان جاهلیت» دارد تا مظاهر ساده و ظاهری آن؛ کما اینکه معتقد است جاهلیت مدرن بر اساس دانش است و جاهلیت مقارن عصر نبوی، سطحی بوده که هردو از ریشه هوس نشئت می‌گیرد.^۴

از سوی دیگر، یکی از گام‌های اولیه و اساسی در زمینه اندیشه‌ورزی در حوزه فرهنگ جاهلی، تبیین زیرساخت‌های فرهنگ جاهلی است. تا لایه‌ها و عناصر فرهنگ جاهلی به درستی تبیین نگردد، اندیشه‌ورزی در این حوزه ناقص است. خوانش مبسوط و ساختارمند فرهنگ جاهلی، در این چارچوب و تلقی، معنا و ضرورت می‌یابد.

۱. آل عمران / ۱۵۴، مائده / ۵۰، احزاب / ۳۳.

۲. قائمی نیا، نقد تاریخت قرآن، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۶.

۳. سید قطب، جاهلیت قرن بیستم، ص ۵۷.

۴. همان ص ۴۶.



نمودار ضرورت‌شناسی تبیین زیرساخت‌های پیدایی رفتارهای جاهلی

تبیین بنیادهای مفهومی پژوهش

۱. فرهنگ جاهلی

ابن‌منظور در ماده «جهل»، ابتدا جهل را نقیض علم دانسته و سپس با بیان نمونه‌هایی، جهل را در برابر «حلم و بردباری» و در یک مورد، به تلویح، آن را در برابر «عقل» دانسته است.^۱ توجه به مثال‌هایی که در کتاب‌های لغت تکرار شده است، ما را به سمت جوهر معنایی این ماده رهنمون می‌شود؛ برای نمونه، به سرزمین بدون نشان و علامت، مانند کویر یکدست و بی‌انتها ارض مجهل گفته شده است؛^۲ یا به چوبی که برای به‌هم‌زدن خاکستر و تنور استفاده می‌شود، «المِجْهَلَه» می‌گویند؛^۳ یا هنگامی که باد، درختی را به حرکت درمی‌آورد و تکان می‌دهد نیز از این ماده استفاده می‌شود.^۴ در هر سه مثال، حرکتی بدون هدف مشخص (غیرهدفمند) و بدون جهت مشخص (باری به هر جهت) رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد جوهر معنایی لغت جهل در همین نکته نهفته باشد و به همین جهت نیز برای نقیض علم از چنین واژه‌ای استفاده شده؛ چراکه مفهوم علم با هدف و جهت مشخص گره خورده است. شواهد بسیار در ادبیات عرب

۱. ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۱، ص ۱۲۹.

۲. ازهری، *تهذیب‌اللغة*، ج ۶، ص ۳۷.

۳. ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۱، ص ۱۲۹.

۴. ابن‌دُرَید، *جمهرة اللغة*، ج ۱، ص ۴۹۴.

یافت می‌شود که جهل به معنای عقلانیت‌گریزی و خشونت‌گرایی است.^۱ در احادیثی گوناگون از پیشوایان ما، در مقابل جهل سه واژه علم، عقل و حلم آمده است؛^۲ چنان‌که کلینی یک بخش کتاب **کافی** را «کتاب العقل و الجهل» نام نهاده است. **بحار الانوار** مجلسی نیز با عنوان «ابواب العقل و الجهل» آغاز شده است. همچنین عنوان یک بخش از کتاب **الوافی** فیض کاشانی «باب العقل و الجهل» است.^۳



نمودار شاخصه‌های فرهنگ جاهلی

کاربست «فرهنگ جاهلی»، ناظر به مبانی نگرشی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ است. فرهنگ جاهلی کاملاً ایستا و تحول‌ناپذیر است. به عبارتی، درون‌حصاری تعصب‌آمیز قرار دارد. فرهنگ جاهلی از شخصیت تعریف‌شده و ثابت برخوردار نیست. فرهنگ جاهلی «التقاطی» است؛ به معنای درهم‌آمیختگی دو یا چند دستگاه فکری و نظری متفاوت که بدون هم‌سنجی و پیوند محتوایی، اجزا و عناصر فرهنگ در

۱. لئن كنت محتاجاً الى الحلم ائني / الى الجهل في بعض الاحايين احوج ... / و ما كنت ارضي الجهل خدناً و صاحباً / و لکنني ارضي به حين احرَج. (ر. ک: دینوری، **عیون الاخبار**، ج ۱، ص ۲۸۹) یعنی اگرچه به حلم نیازمندم، گاهی نیازم به جهل از آن بیشتر است ... دوست ندارم که جهل یار و همنشینم باشد، اما چون در تنگنا افتم، به آن تن دهم.

۲. برای نمونه از پیامبر خدا ﷺ روایت کرده‌اند علم سرآمد همه خوبی‌ها و جهل سرآمد همه بدی‌هاست: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلُّهُ وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ». (ر. ک: مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۷۴، ص ۱۷۴) و در روایتی دیگر، حضرت عقل و جهل را مقابل یکدیگر قرار داده و یکی را دوست انسان، و دیگری را دشمن او شمرده است: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ». (ر. ک: همان.)

۳. توجه شود که عقل به نیروی بازدارنده‌ای اطلاق می‌شود که خشم را مهار می‌کند. در این معنا، مترادف یا موجب حلم است.

کنار هم قرار گرفته است. فرهنگ جاهلی از مبانی استدلالی و عقلانی برخوردار نیست؛ به دیگر سخن، مفروضات اساسی و باورها در این فرهنگ، از مبانی عقلانی، منطقی و استدلالی برخوردار نیست.

۲. نظام فرهنگی

با توجه به گستردگی و تعدد تعاریف فرهنگ، به‌طور اجمال، نظام فرهنگی به معنای باورها،^۱ کردارها،^۲ راه زندگی،^۳ و کنشگری فرهنگی افراد جامعه^۴ ذکر شده است. درواقع فرهنگ، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته و دارای ارکانی چون عادات، آداب و رسومها، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای رایجی می‌باشد که منشأ رفتارهای آن جامعه است و این منشأ می‌تواند بینش و ارزش‌های صواب یا ناصواب در آن جامعه باشد. نگارنده معتقد است که فرهنگ، دربردارنده سه لایه بینش، ارزش و رفتار است و درواقع رفتارهایی که در سطح جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی بروز می‌کند، حاصل و نتیجه باورها و ارزش‌گذاری‌های شخص در قبال مسئله‌ای خاص می‌باشد. نظام (به‌معنای نظم بخشیدن، رویه، عادت، روش از ریشه نظم^۵ و همچنین در زبان انگلیسی معادل کلمه سیستم،^۶ مجموعه‌ای سازمان‌یافته از ایده‌ها، روش‌ها، یا راه‌ها)^۷ را می‌توان مجموعه‌ای مرتبط و دارای اجزایی به‌هم‌پیوسته به‌منظور تحقق هدف واحد دانست.^۸ نظام فرهنگی انعکاس کنش‌های افراد جامعه در دایره فردی و اجتماعی و به‌صورت مجموعه‌ای منسجم،^۹ به‌هم‌پیوسته و متشکل از عقاید، باورها، هدف‌گذاری‌ها و رفتار افراد هر جامعه بوده که همواره در پی هدفی واحد می‌باشد. با توجه به عناصر سه‌گانه فرهنگ در حیطه باور، ارزش و رفتار،^{۱۰} چنین به نظر می‌رسد که نظام فرهنگی در دو بُعد فردی^{۱۱} و اجتماعی^{۱۲} دارای وظایفی است که هر کدام، نقش ویژه‌ای در به وجود آوردن فرهنگ هر جامعه ایفا می‌کنند. نظام فرهنگی جامعه را می‌توان به نظام فرهنگی

۱. عاشوری، *تعریف‌ها و فرهنگ‌ها*؛ الیوت، *درباره فرهنگ*، ص ۲۰؛ ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۳۵.

۲. همان.

3. (Longman) – Culture.

۴. عاشوری، *تعریف‌ها و فرهنگ‌ها*، ص ۵۷ – ۵۴.

۵. عمید، *فرهنگ عمید*، ذیل واژه نظام.

6. System.

7. (System) longman dictionaty.

۸. عبدی، *نظام فرهنگی اجتماعی مطلوب در قرآن*، (پایان‌نامه)، ص ۱۸.

۹. شنایدر – لوئی، *مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها*، ص ۲۸.

۱۰. پیروزمند، *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*، ص ۱۵۰.

۱۱. مربوط به باورها و ارزش‌ها که مسئله‌ای فردی بوده و باید در خود فرد به وجود بیاید.

۱۲. مربوط به رفتار فرد، ناشی از باور اوست که علاوه بر زندگی شخصی افراد در سطح جامعه نیز نمود پیدا می‌کند.

مطلوب^۱ و نظام فرهنگی رایج و موجود در سطح جامعه^۲ دسته‌بندی کرد.^۳ درواقع نظام فرهنگی به‌وجودآمده در سطح جوامع و در بین افراد، به نظام‌های بینشی، ارزشی و درنهایت رفتاری ناشی از این دو بستگی دارد که سبب به وجود آمدن نظام‌های فرهنگی متفاوتی بر اساس جهان‌بینی‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و رفتارسازی‌ها می‌گردد. اما اگر بخواهیم از نظام فرهنگی واحدی در سطح جامعه بشریت سخن بگوییم، ناگزیر باید کانون توجه به‌سمت نقاط مشترک انسان‌ها در سطح گسترده بشریت^۴ باشد تا بتوان نظام‌های فرهنگی - اجتماعی مطلوبی را بر اساس ویژگی‌های آنان معرفی کرد.^۵ این نکته، گفتنی است که در بطن هریک از این فرهنگ‌ها خرده‌فرهنگ‌هایی نیز وجود دارد که نمی‌توان به دیده اغماض به آنها نگریست.^۶

برای هر نظام فرهنگی می‌توان کارکردهایی از قبیل دارا بودن ثبات نسبی فرهنگ، وجود روابط نظام‌مند در نظام فرهنگی، قابلیت انتقال فرهنگ از راه‌های درونی و بیرونی، قابلیت اکتساب فرهنگی، دربرگیری ابعاد فردی و اجتماعی، قابلیت تغییر فرهنگ و تأثیرپذیری از عوامل^۷ در عین تأثیرگذاری، برشمرد.



نمودار کارکردهای نظام فرهنگی

۱. بر اساس اهداف، باورها، بینش‌ها و متناسب با جهان‌بینی‌ها طرح‌ریزی شده.
۲. متناسب با عناصر فرهنگی در آن و در بین افراد در تعاملات و ارتباطاتشان با یکدیگر.
۳. ذو علم، فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم، ص ۲۴.
۴. به جهت دارا بودن ساختار فطری و هستی واحد، و نیز وحدت شاخص‌ها و عناصر مطلوب زندگی اجتماعی.
۵. ذو علم، فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم، ص ۲۵.
۶. همان.
۷. طالبی، «بیگانگی ارزشی با جوانان»، نامه پژوهش، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۲۰۳.

اگر تأکید می‌گردد که فرهنگ، «نظام‌واره» است، نه مؤلفه‌ها و عناصر مستقل و پاره‌پاره، این همیشه بدین معنا نیست که نوعی ارتباط محتوایی عمیق و روح معنوی واحد بر همه این مؤلفه‌ها جاری است؛ بلکه نظام‌وارگی، وصف واقعیت موجودی است که فرهنگ جامعه تلقی می‌شود.^۱

۳. عناصر نظام فرهنگی

زمانی که از فرهنگ و در مقیاس بزرگ‌تر آن نظام فرهنگی بحث می‌شود، ناگزیر باید به اجزای این نظام و عناصر تشکیل‌دهنده آن توجه داشت؛ زیرا همان‌طور که گفته شد،^۲ نظام دارای اجزایی به‌هم‌پیوسته^۳ و نیز در پی هدفی واحد است. فرهنگ و به تبع آن نظام فرهنگی، خود دارای سه عنصر و رکن (بینش، ارزش و رفتار)^۴ به‌صورت مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته، و دارای پیوند بین عناصر آن بوده^۵ که این مطلب، خود موجب معنابخشی به زندگی فردی و اجتماعی افراد می‌گردد. فرهنگ‌ها دارای یک هسته و یک محیط‌اند. هسته، محدوده‌ای است که فرهنگ در پناه آن، هویت خود را حفظ می‌کند. عناصر هسته‌ای فرهنگ، فرسایش و دگرگونی نمی‌یابند و به‌نحوی زنده می‌مانند و در برابر نفوذ فرهنگ جهانی مقاومت می‌کنند.^۶



نمودار عناصر نظام فرهنگی

۱. ذوعلم، فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی، ص ۴۴.

۲. ر. ک: نظام، کلیات.

۳. مطهری، یادداشت‌های استاد شهید مطهری، ج ۶ ص ۴۰۷.

۴. پیروزمند، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، ص ۱۴۸.

۵. جمشیدی، نظریه فرهنگی استاد مطهری، ص ۸۱، مطهری، یادداشت‌های استاد شهید مطهری، ج ۶ ص ۱۴۸.

۶. جمعی از نویسندگان، آینده فرهنگ‌ها، ص ۹ - ۷.

بینش‌ها و باورها در نظام فرهنگی

بینش‌ها و باورها توجه خود را به معانی، مفاهیم،^۱ اندیشه، اعتقادات و حیطه شناخت انسان‌ها منعطف می‌کنند. باور هر انسان، میزان اعتقادی است که او به هر مقوله‌ای پیدا می‌کند و به آن معتقد می‌شود. باور افراد به پدیده‌ها و مسائل درواقع زیربنا و پایه‌های اساسی شکل‌دهی ارزش‌ها و رفتارهای فرد است^۲ که عاملی برای به‌هم‌پیوستگی لایه‌ها و عناصر نظام فرهنگی برای تشکیل یک نظام فرهنگی خاص بوده^۳ و این لایه مهم‌ترین، عمیق‌ترین و ریشه‌ای‌ترین لایه از لایه‌های نظام فرهنگی است.^۴ باور هر فرد، درحقیقت شالوده جهان‌بینی و محصول اعتقاداتش به الهه‌های عالم هستی است. تعبیر فرهنگ در مرتبه نخست، ناظر به لایه اول از عناصر فرهنگی است. به بیان دیگر، باورهای موجود نزد هر فرد، او را در انتخاب ارزش‌ها و نیز ارزش‌گذاری برای مؤلفه‌ها در زندگی‌اش یاری کرده و نقطه آغاز فرهنگ‌سازی در سطوح مختلف جامعه می‌گردد.



نمودار شاخصه‌شناسی عنصر بینش در نظام فرهنگی

۱. ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۱.
۲. ذو علم، *فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی*، ص ۴۸.
۳. ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*.
۴. ذو علم، *فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی*، ص ۴۸.

ارزش‌ها در نظام فرهنگی

در زندگی بشر، سلسله ارزش‌هایی وجود دارد که در بین طیفی از جامعه رایج است و با اعتقاد به این ارزش‌هاست که انسان زندگی خود را از نظر ویژگی‌های منفی و مثبت، وجود می‌بخشد و با اعتقاد به ارزش‌ها و ارزشی که برایشان قائل است، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را به وجود می‌آورد.^۱ در دایره ارزش‌ها و گرایش‌ها در نظام فرهنگی باید به‌درستی به موارد ارزشی، شایسته‌ها، ناشایسته‌ها، خوب‌ها، بد‌ها و ... توجه کرد. ارزش‌های فرد درواقع همان اعتقادات و باورهایی است که برای وی به ارزش در رابطه با مسئله‌ای تبدیل شده است و بر اساس بینشی که فرد دریافت کرده و اعتقادی که برای خود برگزیده است، نوع ارزش‌گذاری و رهیافت‌های او نیز متفاوت است^۲ و بر همان مبنا (بینش) شکل گرفته است^۳ که این خود عاملی برای بروز رفتار و رفتارسازی در جامعه می‌شود.^۴

رفتارها در نظام فرهنگی

عنصر رفتار در نظام فرهنگی شامل رفتار انسان‌ها در جامعه در حیطه فردی و اجتماعی و شامل مواردی ازجمله آداب احوالپرسی، نوع و نحوه پوشش فرد، نوع معماری استفاده‌شده و ... می‌باشد.^۵ رفتار افراد در جامعه، برگرفته از باورها و بینش‌ها و ارزش‌گذاری‌هایی است که نزد فرد اعتبار دارند. به بیانی دیگر رفتارهایی که افراد در جامعه بروز می‌دهند، حاصل اعتقادات و ارزش‌های موجود نزد آنان است و نمی‌توان بین رفتار بروز داده‌شده و بینش و ارزش‌های معتبر نزد آنان جدایی و افتراق قائل شد؛ زیرا هرکدام از لایه‌های نظام فرهنگی به یکدیگر مرتبط، و تشکیل‌دهنده لایه دیگر این نظام هستند^۶ که بدون وجود این اعتقادات و ارزش‌ها بروز رفتارها نیز محال است.^۷ درواقع می‌توان چنین عنوان کرد که چرخه‌ای سلسله‌وار متشکل از باورها و ارزش‌ها وجود دارد که این چرخه درنهایت به رفتارسازی فرد در سطوح مختلف فردی و اجتماعی منجر می‌شود و به‌نوعی معرف نوع فرهنگ افراد نیز می‌باشد.^۸

۱. مصباح یزدی، *تہاجم فرهنگی*، ص ۷۲.

۲. ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۳۰.

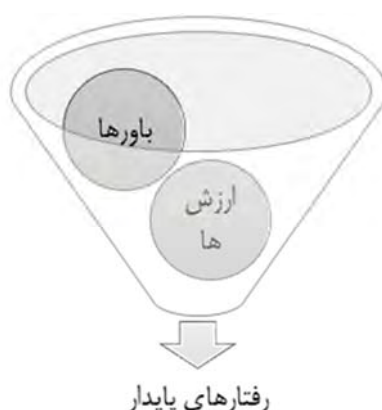
۴. مصباح یزدی، *تہاجم فرهنگی*، ص ۷۳.

۵. ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۰.

۶. ذو علم، *فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی*، ص ۵۵.

۷. همان.

۸. ناظمی اردکانی و بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.



نمودار فرایند شکل‌گیری رفتارهای پایدار فرهنگی

بینش و ارزش، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که به‌منظور تغییر رفتار فرد، باید با تغییر و تحولاتی همراه باشند؛ زیرا هنگامی که باورها و ارزش‌های افراد تغییر می‌کنند، به‌تبع آن، رفتار او نیز تغییر می‌کند. لذا باورها و ارزش‌ها دو عنصر مقدماتی برای تغییر رفتارند.

خاستگاه‌شناسی بینشی پیدایی عبادت جاهلی

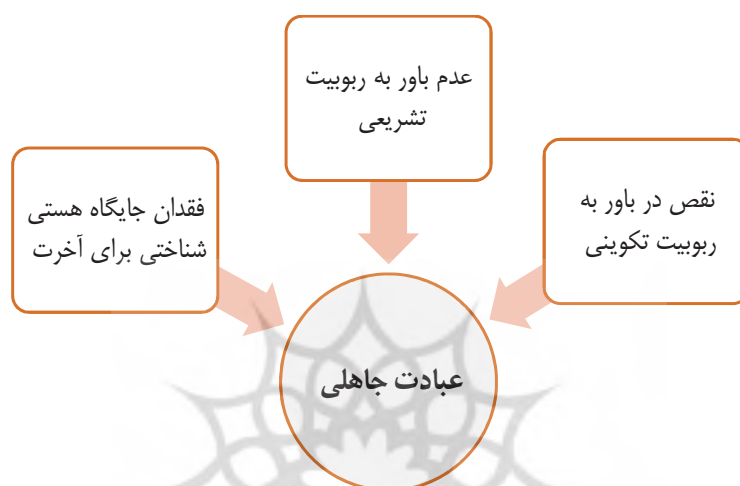
رفتارهای موجود در هر جامعه که از این برون‌دادها به فرهنگ تعبیر می‌شود، برآمده از علت یا مجموعه عللی هستند که در نظام فرهنگی از آنها به عناصری رفتارساز یا همان بینش و ارزش تعبیر می‌شود. با توجه به وجود عناصری چون بینش و ارزش در نظام فرهنگی به‌عنوان لایه‌های بنیادین و خاستگاهی برای عنصر رفتار، برای بررسی و پی بردن به خاستگاه رفتارهای موجود در جامعه جاهلی مکه مقارن عصر بعثت و به‌طور خاص پیدایی عبادات جاهلی، ناگزیر باید خاستگاه و ریشه این عبادات جاهلی را در عناصری چون بینش و ارزش پی‌جویی کرد. با توجه به رسالت این نوشتار، مبنی بر خاستگاه‌شناسی پیدایی عبادات جاهلی مبتنی بر عنصر بینش، در این جایگاه تنها خاستگاه بینشی بررسی شده و رفتارهای عبادی برخاسته از این عنصر، به‌اجمال واکاوی می‌شود. به این نکته هم باید توجه داشت که جاهلیت مخصوص زمان و ملیتی خاص نیست؛ بلکه در هر زمان و مکان، می‌تواند پدیدار گردد.^۱ به عبارت دیگر، زندگی هر انسانی در هر دوره، به پیروی از قانون خدا و اسلام یا پیروی از هوا و هوس که همان جاهلیت است، تقسیم می‌گردد.^۲ بینش، یکی از لایه‌ها و عناصر بسیار مهم در پایه‌گذاری رفتارها و نیز بروز آنهاست.^۳ لایه بینشی در

۱. سید قطب، *جاهلیت قرن بیستم*، ص ۱۰.

۲. همان ص ۶۴.

۳. ذو علم، *فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم*، ص ۴۸.

نظام فرهنگی، عنصری زیرساختی برای بروز و ظهور رفتارها در جوامع در سطوح فردی و اجتماعی معرفی می‌گردد.^۱ باورها، جهان‌بینی‌ها و اعتقادات افراد درباره پدیده‌ها، در آنها نوعی نگاه به مسائل مختلف بنا بر همان مقوله‌ها ایجاد می‌کند که خود، عامل قوی بروز و ظهور رفتارهای فردی و اجتماعی می‌شود. مواجهه رفتاری جامعه جاهلی با این مسائل ریشه در بینش و نوع نگاه منفعت‌طلبانه، دنیاگرایانه، نقص و ناباوری به ربوبیت تکوینی الهی داشته که این کج‌روی‌ها موجب پیدایی رفتارهای عبادی آمیخته با جهالت و شرک شده بود.



نمودار تأثیرگذاری بینش‌ها در پیدایی رفتار جاهلی

۱. نقص در باور به ربوبیت تکوینی

شرک خصوصیت مشترک در عصر جاهلی، و دارای گونه‌های متعددی مانند شرک در خالقیت^۲ و شرک در عبادت^۳ و شرک در ربوبیت بود. در بیان علل گرایش‌های بت‌پرستی در جامعه جاهلی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد نخست افزایش جمعیتی بن اسماعیل در مکه بروز جنگ و اخراج برخی از آنها که اخراج شدگان به واسطه وابستگی به زیست بوم مکه به بت پرستی روی آوردند^۴ و دیگر اینکه بت‌ها، در ابتدا تصاویر بودند که پس از مدتی، این تصاویر جای خود را به بت‌ها داده و به شکل اجسام درآمدند.^۵ برخی نیز بر این باورند که تأثیرپذیر بودن اعراب از همسایگان، عامل اصلی بت‌پرستی آنهاست.^۶ این

۱. شنایدر - لوئی، مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها، ص ۲۸.

۲. جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۵۷۱؛ و مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۱۲۸.

۳. جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۵۸۳.

۴. الازرقی، ابو الولید محمد بن عبد الله، أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، ص ۱۱۶.

۵. الجبوری، الجاهلیة، ص ۱۰۷؛ الالوسی و محمود شکر، بلوغ العرب فی معرفة احوال العرب، ج ۲، ص ۱۹۷.

۶. سالم، عبدالعزیز، تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۴۱۱.

نوشتار به بررسی دو بینش و تأثیرات آنها در تولید رفتارهای عبادی می‌پردازد. ازجمله علل گرایش افراد جامعه جاهلی به عبادات جاهلی، نقص و نیز ناباوری به ربوبیت تکوینی خداوند بوده است؛ بدین گونه که مردم در عصر جاهلی، در پذیرش ربوبیت الهی دچار ضلالت شده بودند. برخی بت‌پرستی را مایه تقرب به خدا می‌پنداشتند و با این عمل، موجبات تقرب به الله را در نظر داشتند؛^۱ برخی دیگر آن را مایه شفاعت می‌دانستند، بی‌آنکه نفع و ضرری را متوجه آنها کند؛^۲ عده‌ای نیز بر این باور بودند که قسمتی از اداره امور زندگی مردم در دنیا بر عهده مخلوقات چون ستارگان، ماه، اجنه، ملائکه، و بت‌هاست. آنها چنین موجوداتی را ضامن و عهده‌دار حفظ امنیت، معیشت، و اداره کننده امور زندگی خود می‌دانستند^۳ و به همین دلیل برخی عبادات آنها از اعتقاد داشتن به ربوبیت الهی و برخی دیگر از نقص در ربوبیت الهی نشئت گرفته بود. نقص و عدم باور به ربوبیت تکوینی موجب عباداتی چون پرستش بت‌ها، پرستش اجرام آسمانی چون ستارگان و ماه و خورشید، و پرستش اجنه و ملائکه شده و آنها را بر همین مبنا به چنین عباداتی نیل داده و آنها به زعم خود عبادتی اصیل از خود بروز می‌دادند. معبودانگاری عناصر طبیعی و اشیایی همچون بت‌ها مردم عصر جاهلی را از اصل عبودیت، عبادت خداوند کاملاً دور ساخته و برای خود خدایانی ترسیم کرده بودند و آستان ربوبیت الهی را در انحصار آنها می‌دیدند. بی‌توجهی به ربوبیت خداوند درحقیقت به معنای نبود برنامه زندگی، سعادت و رشد است که نقصان در این امر نیز همانند اعتقاد نداشتن به ربوبیت، نتایج مثبت حاصل از ربوبیت و خداباوری را در پی نخواهد داشت. تمسک انسان به خداوندگارهای مثالی و ساختی، در حالی است که در این نوع از ربوبیت و خداانگاری چیزی جز ضلالت نمی‌توان یافت. همین نبود ربوبیت حقیقی موجب گشته بود مردم عصر جاهلی نتوانند بر جهالت خویش غلبه پیدا کنند و خود را در وادی و معرض رشد و برنامه سعادت الهی قرار دهند. اصرار داشتن به جهالت خود و افتخار کردن بدان، فرمان‌پذیری از خواهش‌های نفسانی^۴ و فرمان‌ناپذیری از حق، از آثار نقصان در ربوبیت تکوینی در عصر جاهلی به شمار می‌آید؛ زیرا این نوع از ربوبیت درواقع ربوبیت حقیقی نبوده است و بر همین اساس، از تغییر باور درباره مسئله توحید و ربوبیت، نمی‌توان از جامعه جاهلی انتظار جامعه‌ای مسلم، حنیف و حق‌پذیر را داشت.

۱. أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. (زمر / ۳)

۲. وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُبْتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ. (یونس / ۱۸)

۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۴۸.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۹۹.

ربوبیت خداوند ربوبیت مطلق است؛ بدین معنی که هم ربوبیت در خالقیت خداوند وجود دارد و هم ربوبیت در امور پس از خالقیت که شامل اداره امور زندگی و ... می‌گردد. برخی از مردم در عصر جاهلی، ربوبیت در خالقیت خداوند را پذیرفته بودند و او را خالق موجودات می‌دانستند،^۱ اما در سایر امور، ربوبیتی برای خداوند قائل نبودند و معتقد بودند که اداره امور موجودات بر عهده سایر خدایان است. به همین خاطر موجوداتی چون بت‌ها، ماه و ستارگان را می‌پرستیدند و بر این باور بودند که این موجودات رابطه میان آنها و خداوند را اصلاح کرده‌اند و خشنودی این موجودات را ملاک ربوبیت و پرستش می‌دانستند.

۲. انحصار جهان هستی به حیات دنیایی

دنیاگرایی و منفعت‌طلبی و نگاه تک‌بعدی به انسان و حیات او، در زندگی جاهلی و معاصر،^۲ همواره در بین تمام افراد بشر وجود داشته و خود عامل بروز کثروی‌ها و انحرافات متعدد است. مردم عصر جاهلی نیز از این مسئله مستثنا نبودند و دنیاگرایی‌ها و منفعت‌طلبی‌ها موجب بروز عباداتی آمیخته با شرک و جهالت بود که نه تنها خودِ عاملان، بلکه طیفی از جامعه جاهلی با این رویه همراهی کرده بود و موجب جریان عباداتی بر مبنای منفعت‌طلبی و دنیاگرایی در سطح جامعه جاهلی شده بود. در عباداتی نظیر حج جاهلی، دنیاگرایی و منفعت‌جویی قبیله‌ای چون قریش، زمینه‌ساز بروز اعمال حج با رفتارهایی ناپسند مثل طواف عربان گشته بود.

به دیگر سخن، باز نمود این نوع نگاه و بینش را در رفتارهای عبادی جامعه جاهلی می‌توان با تحلیل نقش زیربنایی بینش‌های ناصوابی چون نقص در ربوبیت تکوینی و انحصار جهان هستی به حیات دنیا که همان رویکرد سکولار در عصر حاضر است، به‌خوبی مشاهده کرد. نتیجه چنین عقیده‌ای در جاهلیت گذشته و مدرن، اصالت بخشیدن به دنیاست که چنین جامعه‌ای، جامعه جاهلی است.^۳ این در حالی است که خداوند زندگی دنیایی را لَهو و لعب معرفی می‌کند.^۴ بر اساس آیات قرآن، مشرکین در اعتقادات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. هردو گروه در اصل شرک اشتراک دارند؛ گروهی اساساً هیچ اعتقادی به خداوند در مقام خلق و سایر صفات ندارند^۵ و برخی دیگر خداوند را در خلق قبول دارند و در ربوبیت، بت‌ها را مدبر و شافع خود می‌دانند، ولی به جهان پس از مرگ، باور ندارند.^۶

۱. همان، ج ۲۸، ص ۶۷۸.

۲. کالینیکوس، *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*، ص ۳۹ - ۳۱.

۳. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۶ ص ۱۳۱.

۴. عنکبوت / ۶۴.

۵. هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ. (مومنون / ۳۷ و جاثیه / ۲۴)

۶. مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ. (یس / ۷۸)

بازنمود تأثیر زیرساخت بینشی فرهنگ جاهلی در ساحت رفتار عبادی

برون داد فرهنگ جاهلی، درواقع رفتارهایی بود که افراد در سطح فردی، اجتماعی و خانوادگی در جامعه جاهلی عصر نزول بروز می‌دادند. این رفتارها را می‌توان حاصل تفکر جاهلانه و ارزش‌گذاری‌های ناصوابی دانست که افراد برای خود تعیین، و زندگی‌شان را بر همین اساس استوار کرده بودند. شعار معروفی در عرب بوده که «برادرت را چه ظالم و چه مظلوم بود، یاری کن».^۱ لذا برای افراد با این تفکر و بینش نمی‌توان برون داد و رفتاری موافق شأن و کرامت انسانی متصور شد. از عنوان این نوشتار که بررسی و تبیین عناصر نظام فرهنگی در جامعه جاهلی عصر نزول است و از تعاریف موجود از نظام فرهنگی و عناصر نظام فرهنگی (بینش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها)، چنین برمی‌آید که رفتارهایی را که در سطح جامعه جاهلی بر اساس فرهنگ و تفکر جاهلانه رخ داده است، بر عناصر سه‌گانه نظام فرهنگی تطبیق داده و این عناصر را در تقارن با رفتارهای جامعه جاهلی در عصر نزول بررسی می‌کند. به بیان دیگر، رفتارهایی که در جامعه جاهلی عصر نزول به وقوع پیوسته است، با رویکرد تبیینی و نیم‌نگاهی به عناصر نظام فرهنگی، هرکدام در ذیل یکی از این عناصر سه‌گانه واقع می‌شوند و این عناصر درواقع به ایجاد نظامی مبتنی بر نظام فرهنگی در جامعه جاهلی منجر می‌گردد.

با توجه به محدودیت در نقل رفتارهای جامعه جاهلی، در این بخش برخی از این رویدادها نقل، و بر پایه عناصر نظام فرهنگی، به‌منظور شناخت دقیق‌تر جامعه جاهلی، تبیین و بررسی می‌شود. بروز و ظهور رفتارها در سطوح فردی و اجتماعی، ناشی از عواملی چون نوع نگرش و ارزش‌گذاری‌ها بود که با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد منشأ این رفتارها گاهی بینش، ارزش یا هر دوی این عناصر بود. این پژوهش به رفتارهایی پرداخته است که فقط منشأ بینشی داشته‌اند؛ نظیر حج جاهلی، طواف، قربانی برای بت‌ها، تلبیه بت‌ها، پرستش اجرام آسمانی.

با توجه به حجم زیاد مطالب و نیز به‌دلیل محدودیت بیان و برای ارتقای کیفی نوشتار، به ذکر برخی از این‌گونه رفتارها (رفتارهای عبادی) اکتفا شده است. در هر جامعه‌ای جهان‌بینی و ایدئولوژی فکری و اعتقادی افراد، ضامن حرکت و پیشرفت‌های گوناگون است و نخبگان فکری هر جامعه در پی تقویت بینشی سازگار با اهداف متعالی انسانی بوده و برای این هدف تلاش می‌کنند؛ زیرا بینش افراد هر جامعه لایه‌های بنیادی و زیربنایی، و درک و شناخت^۲ سطوح مختلف جامعه را تشکیل داده، سرگذشت آن را نمایان می‌کند. جامعه جاهلی عصر نزول با فقدان چنین امری، حرکت خود به‌سمت انحطاط و انحراف در ابعاد گوناگون را به بالاترین حد ممکن رسانده بود؛ به‌طوری‌که تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد را

۱. ایزوتسو، مفاهیم دینی - اخلاقی در قرآن مجید، ص ۸۷.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، ص ۱۱۹۰.

تحت تأثیر قرار داده بود. انحرافات فکری، خرافه‌پرستی، رفتارهای آزاردهنده، و بی‌ثباتی فکری ناشی از نگاه و بینش جاهلانه به مسائل رایج در زندگی، باعث تشکیل جامعه‌ای جاهل گردید که افراد آن بنای زیستن و روابط خود را بر جهل قرار داده بودند. چنین جامعه‌ای نیازمند تغییر و تحولی اساسی در بینش، باور و روحیه فردی و اجتماعی افراد بود. نزول قرآن، ظهور اسلام و رسالت رسول خدا ﷺ مقدمه‌ای برای چنین تحول بزرگی در مکه^۱ و پس از آن در سراسر جهان جاهلی شد؛ مکه‌ای که قبل از اسلام در بدترین حالت قرار داشت؛^۲ زیرا تغییر بینش و فکر افراد، تنها راه نجات جامعه از جهالت است.^۳ بنابر نظر طبرسی هدف خداوند از ارسال رسولانش برطرف کردن ضلالت و گمراهی جامعه جاهلی بود.^۴

۱. پرستش بت

بت‌پرستی به دین و عقیده رایج^۵ بین مردم عصر جاهلی تبدیل شده بود.^۶ اعتقاد به مدبر بودن بت‌ها، موجب تصاحب مقام و منزلت و جایگاهی اختصاصی در بین افراد قوم و قبیله،^۷ و این امر موجب برپایی مناسک خاص برای بت‌ها،^۸ تلبیه، قربانی، و اهدای هدایایی به‌عنوان پیش‌کش^۹ شده بود؛ چنان‌که حتی حاضر به قربانی کردن فرزندان خویش برای بت‌ها^{۱۰} به‌منظور خدمت بیشتر به آنها نیز بودند؛^{۱۱} همچنین از بت‌ها به‌عنوان شفیعات^{۱۲} نزد خداوند^{۱۳} و گاهی به‌مثابه خداوند^{۱۴} یاد می‌شد؛ بت‌هایی با جنس،^{۱۵}

۱. هود / ۸۸.

۲. «إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ عَلَيَّ شَرِّ دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ». نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۳. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». آل عمران / ۱۶۴.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۷۶.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۶ و خطبه ۲.

۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۷۷.

۷. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۴.

۸. الجارم، الا دیان العرب فی الجاهلیه، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۹. آلوسی، بلوغ الأرب فی معرفه أحوال العرب، ج ۲، ص ۱۹۷.

۱۰. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۶۱.

۱۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۳.

۱۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۳۴ - ۲۳۳.

۱۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۶؛ ج ۱۱، ص ۱۷۷؛ ج ۱۷، ص ۲۷۰.

۱۴. القسطلانی، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۹۴.

۱۵. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۷۳ و ۷۱؛ کلبی، الا صنم، ص ۵۳؛ الحوت، فی طریق

المیثولوجیا عند العرب، ص ۳۸؛ الجارم، ادیان العرب فی الجاهلیه، ص ۱۳۲.

جنسیت،^۱ نام.^۲ وابستگی مردم به بت‌ها سبب شده بود هنگام مسافرت، آخرین کارشان در منزل، و هنگام بازگشت، اولین کارشان لمس بت‌های منزل باشد.^۳ درباره منشأ بت‌پرستی در تاریخ عصر جاهلی می‌توان چنین گفت که در آن زمان، فرزندان اسماعیل که برای جنگ‌ها و کسب درآمد به مسافرت می‌رفتند، تکه سنگی از سنگ‌های حرم را همراه خود می‌بردند تا به نیابت از کعبه آنها را عبادت کنند؛ چراکه آنها مثل ابراهیم و اسماعیل کعبه را بزرگ دانسته، گرد آن طواف می‌کردند. این روبه تا مدت‌های طولانی ادامه داشت؛ اما سبب شد تا دیگر مردم به عبادت سنگ‌ها اکتفا کنند و اصل کعبه مورد غفلت و فراموشی واقع گردد. مردم در عبادت سنگ‌ها برایشان طواف، تلبیه، و قربانی می‌کردند و اعمالی مثل حج به‌جا می‌آوردند و به عبارتی دیگر بت‌پرست (سنگ‌پرست) شده بودند.^۴ اما برخی علت بت‌پرستی را مرگ عزیزان می‌دانند؛ چنان‌که هرگاه فرد عزیزی از یک خانواده (پدر، برادر یا فرزند) از دنیا می‌رفت، به‌علت علاقه زیاد به او، برایش تندیزی شبیه به وی ساخته، نام میت را نیز بر او می‌گذاشتند. در نگاه اومانیزیسم غرب نیز همین رویکرد وجود دارد و لیبرالیسم معاصر که همان معنای انسان‌گرایی مدرن را دارد، درواقع اصالت‌بخشی به انسان در برابر خداست.^۵ در جاهلیت تندیس می‌ساختند و به عبادت آن می‌پرداختند به امید اینکه آن میت، شفیع آنها در پیشگاه خداوند باشد.^۶ این مسئله به‌تدریج سبب شیوع بت‌پرستی در بین مردم عصر جاهلی شد.^۷

تلبیه یکی از اعمال حج است که هنگام طواف کعبه است؛ اما جامعه جاهلی دچار شرک^۸ در تلبیه شده بود^۹ و هر قبیله‌ای^{۱۰} پس از صلاة^{۱۱} به تلبیه مخصوص^{۱۲} بت‌های خود^{۱۳} می‌پرداخت و به‌منظور آگاهی

۱. میرحسینی و فلاح، شیوه مبارزه پیامبر با فرهنگ جاهلی، ص ۵۱؛ ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۴۷۸.

۲. معروف‌ترین آنها هبل، لات، عزى، منات، ود، سواع، یغوث، یعوق، إساف، و نائله بودند.

۳. کلبی، الاصنام، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۶؛ الجارم، الادیان العرب فی الجاهلیه، ص ۱۲۹ و ۱۳۱.

۵. قنبری، نقادی بر اومانسیم و لیبرالیسم، ص ۹۶ - ۹۱.

۶. الجارم، الادیان العرب فی الجاهلیه، ص ۱۲۸.

۷. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۱.

۸. الجارم، الادیان العرب فی الجاهلیه، ص ۵۳ - ۵۲.

۹. همان.

۱۰. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۱۱. صلات ابتدا در عصر جاهلی به معنای دعا کردن بوده که در اینجا از خود کلمه ترجیحا استفاده شده. (ابن منظور،

لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۴)

۱۲. ابن حبیب، المحبر، ص ۳۱۳ - ۳۱۱. (به هنگام عبادت بت هر یک از آنها تلبیه خاص خود را داشتند. تلبیه بت عزى،

تلبیه بت لات، تلبیه بت منات و ...).

۱۳. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۳۵۱.

بیشتر بت‌ها آنها^۱ را بلند صدا می‌زدند.^۲ با توجه به مطالعات فرهنگی صورت‌گرفته^۳ چنین برداشت می‌شود که بینش به‌عنوان پایه و اساس نوع نگاه و تفکر فرد درباره جهان پیرامون در نظام فرهنگی، عاملی جهت‌دهنده به‌سمت رفتاری خاص متناسب با آن تفکر، جهان‌بینی و ایدئولوژی است. به بیان دیگر، بینش‌های هر فرد درباره‌ی پدیده‌های پیرامونش، موجب بروز رفتارهایی در سطح جامعه خواهد شد. لذا بینش‌ها و باورهای افراد را می‌توان دلیلی برای انجام رفتارهایشان دانست. این مطلب درباره مقوله پرستش و عبادت در جامعه جاهلی و نیز در تمامی جوامع صدق می‌کند؛ بدین‌گونه که افراد جامعه بنابر باور و بینشی که دارند، موضع‌گیری خود را (خاصه) درباره مسائل عبادی، به‌صورت رفتارهایی مبنی بر همان بینش‌ها و باورها بروز می‌دهند. به عنوان نمونه بت‌پرستی در جامعه جاهلی را می‌توان یک عنصر بینشی در ذیل عناصر نظام فرهنگی در نظر گرفت؛ زیرا پرستش به‌نوعی در دایره اعتقادات، جهان‌بینی و ایدئولوژی فرد درباره اله می‌باشد که در جامعه جاهلی این مسئله درباره بت‌ها انجام می‌شد و بت‌ها را به‌عنوان اله برای خود پذیرفته بودند.

بینش، عقیده و تفکر مردم عصر جاهلیت درباره بت‌ها موجب جایگاه بسیار برتر و والاتر بت‌ها در نزد آنها می‌شد؛ به نوعی که بت‌ها را موجوداتی باارزش و محترم پنداشته و حتی خود را آماده جان‌فشانی در راه آنها کرده و از قربانی کردن فرزند و مال در این راه فروگذار نمی‌کردند. این بینش و عقیده درباره پرستش بت، به‌تدریج موجب ارزش‌گذاری برای بت‌ها در سطح جامعه و در نتیجه برون‌داد بت‌پرستی به‌عنوان یک پدیده فراگیر و گسترده در سطوح فردی، اجتماعی، خرد و کلان می‌شد. باور نداشتن به حقیقت، فرد را به سمت و سوی عمل حرکت نمی‌دهد؛ همان‌طور که در جامعه جاهلی به این مطلب که خداوند خالق آنهاست آگاهی داشتند، اما به‌دلیل باور نداشتن به این آگاهی، رفتارهای مغایر با آن باور و بینش در جامعه جاهلی رخ داده است. از جمله عواملی که موجب روی آوردن به بت‌پرستی و به‌تبع آن به حاشیه رفتن و فراموشی اصل عبادت و طواف کعبه شد، نیاز مردم به مسئله عبادت بود. این نیاز، در هر شرایط و زمانی آنها را به‌سمت عبادت چیزی هدایت می‌کرد؛ اما مرتبه پایین درک و فهم مردم در جامعه جاهلی، آنها را به پرستش فیزیکی معبود سوق داد؛ چنان‌که حتی اعتقادات ادیان دیگر نیز در اندیشه و باور آنها به فراموشی سپرده شد و به‌طور کلی راه مردم از طریق حق و حقانیت و عبادت اصیل پرودگار جدا شد و تغییر پیدا کرد. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر بت‌پرستی جامعه جاهلی، دنیاگرایی و دنیاپرستی بود که عاملی برای سوءاستفاده از جهل دیگران به‌منظور برداشت‌های مالی و مادی می‌شد؛ نظیر بدعت‌های

۱. همان، ص ۳۷۹.

۲. همان.

۳. ر. ک: نظام فرهنگی.

قریش در احرام که توجه بیش از پیش آنان به دنیا سبب می‌شد حتی در مسئله حج و عبودیت نیز از این میل کاسته نشود و از هیچ کاری فروگذار نکنند. این نقصان در عبادت و پرستش در جامعه جاهلی در عصر جاهلیت، معلولِ نداشتن بیش و باور صحیح است که فرهنگ آن جامعه را به فرهنگ جاهلی تبدیل کرده است.

۲. پرستش اجرام آسمانی

مردم عصر جاهلی علاوه بر پرستش بت‌ها، پرستش ستارگان و اجرام آسمانی را نیز پرستش روشنفکرانه^۱ می‌دانستند و آنها را شفیعان^۲ و به عبارتی ولی‌نعمت خود قرار داده، برایشان احترام ویژه‌ای قائل بودند^۳ و کشت، زرع، نعمت و سعادت خود را به آنها نسبت می‌دادند.^۴ اعراب جاهلی برای ماه احترام ویژه‌ای قائل بودند^۵ و آن را به منزله اله بزرگ، آرامش‌بخش و در برخی موارد جزء ملائکه شمرده، ستایش و سجده می‌کردند.^۶ همچنین برخی از بت‌های خود را به نام ستارگان ثلاثه شمس (مادر)، قمر (پدر) و زهره (فرزند)^۷ به عنوان اربابان ثلاثه^۸ نام‌گذاری می‌کردند.

علاقه و احترام به ماه، برگرفته از شرایط منطقه زیست اعراب در جنوب جزیره العرب بود که ساکنانش شب‌ها را به گرمای بسیار زیاد خورشید و سختی آن ترجیح^۹ می‌دادند. این مسئله در بابلی‌ها در شمال جزیره العرب در قبال خورشید،^{۱۰} کاملاً برعکس بود.^{۱۱} مشرکان قریش ملائکه را دختران خدا می‌پنداشتند^{۱۲} و آنها را عبادت می‌کردند و برخی از قبایل عرب مثل بنو ملیح،^{۱۳} اجنه^{۱۴} (به تعبیر قرآن

۱. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۳.

۲. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۲، ص ۴۹.

۳. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۵۰ و ۱۷۴.

۴. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۳.

۵. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۵۰ و ۱۷۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۱۶ - ۲۱۵.

۷. همان، ص ۵۰ و ۱۷۴.

۸. یوسفی غروی، موسوعة التاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۹. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۵۲ - ۵۱.

۱۰. الحوت، فی طریق المیشولوجیا عند العرب، ص ۹۳.

۱۱. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۵۲ - ۵۱.

۱۲. «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ». صافات / ۱۵۸.

۱۳. کلبی، الاصلنام، ج ۱، ص ۳۴.

۱۴. «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» انعام / ۱۰۰؛ «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» صافات / ۱۵۸؛ «قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلَكِنَّا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ». سبا / ۴۱.

شیاطین^۱ را چنین پنداشته،^۲ آنها را ساکن مطلق می‌دانستند^۳ و به‌منظور در امان ماندن از اذیت اجنه،^۴ به آنها تقرب جسته،^۵ برایشان قربانی می‌کردند.^۶ تمام جوامع در طول تاریخ، از هر نوع و جنس و در هر مکانی، رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، فرهنگ هر جامعه‌ای را می‌توان در رفتارهای افراد آن جامعه جست‌وجو و تحلیل کرد. فرهنگ موجود در هر جامعه، خود دارای عناصر و ارکانی است که پیش‌تر درباره آن به‌طور مفصل بحث شد؛ جامعه جاهلی نیز در این مسئله مستثنی نبود و این جامعه نیز دارای فرهنگی برگرفته از رفتارهای افراد آن جامعه بود.

۳. پرستش ملائکه و اجنه

با بررسی رفتارهای عبادی در جامعه جاهلی این نکته آشکار می‌گردد که رفتاری چون پرستش اجنه و ملائکه به‌عنوان رفتاری عبادی، برگرفته از بینش و باوری است که درباره مسئله پرستش و عبودیت در گروهی از افراد جامعه جاهلی وجود داشته است. به دیگر سخن، در تحلیل این رفتار، با توجه به عناصر موجود در نظام فرهنگی فرهنگ جاهلی، ریشه اصلی این رفتار را باید در لایه بینش و باور این نظام جست‌وجو کرد و این مطلب مبرهن می‌شود که پرستش به‌عنوان رفتاری رخ داده محصول بینش و باوری ناصحیح درباره معبود و خداوند است که سبب بروز این نوع از پرستش شده است. ترس ناشی از توهّمات در هنگام خطرها و تلاش برای غلبه بر آن، صحرانشینان را به توسل به موجودات پنهانی و غیبی به نام اجنه و امی داشت تا به‌وسیله آنها قلب خود را آرام، و اندکی از خوف خود کم کنند. به همین دلیل، به اجنه متوسل می‌شدند و آنها را عزیز و به‌نوعی محافظ خود^۷ می‌پنداشتند و هنگام سفر و استراحت شبانه در بیابان‌ها چنین می‌گفتند: «عوذ بعزیز هذا الوادی». در سوره جن، خداوند از این کار نهی کرده و آن را موجب گمراهی آنها دانسته است.^۸ پناه بردن به اجنه برای غلبه بر ترس از صحرا رفتاری ساخته و پرداخته ذهنی است که باورها و بینش‌های موجود در آن فرد، وی را به چنین رفتاری وامی‌دارد.

۱. طباطبایی *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، ص ۳۸۶؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۸، ص ۶۱۸؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ج ۳، ص ۳۵۷.

۲. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۲، ص ۲۸۶، شهرستانی، *الملل والنحل*، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۲، ص ۲۹۶ - ۲۹۴.

۴. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۵. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۲، ص ۲۹۶ - ۲۹۴.

۶. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۷. نوری، *جاهلیت و اسلام*، ص ۲۹۳.

۸. «وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِهِ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا». توبه / ۶ طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*،

ج ۱۰، ص ۵۵۵، طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰، ص ۴۲.

۴. حج جاهلی

کلمه حج با ریشه سامی به معنای تقرب به الهه‌ها در زمان و مکان مقدس^۱، یکی از شعارهای دینی بزرگ، برجسته و قدیمی در بین ادیان،^۲ و معروف بوده (حج ابراهیمی)^۳ و عادتاً^۴ در ماه ذی‌الحجه^۵ انجام می‌شد؛ اما در جاهلیت، حج منحصر و محصور در عبادت مکه (بیت‌الله) نبود، بلکه اقوام مختلف، بتکده‌ها و اماکنی نظیر بیت لات در طائف، بیت عزی در نزدیکی عرفات، بیت مناة، بیت ذی‌الخلصه، بیت نجران و ...^۶ را به وجود آورده، عمل حج را در آنها انجام می‌دادند.^۷ بدعت‌گذاری قریش^۸ در اعمال^۹ و شرایط حج به منظور سوءاستفاده، مناسک صفا و مروه برای دو بت موجود در آنجا، طواف^{۱۰} و قربانی^{۱۱} برای بت‌ها و مالیدن خون قربانی به بدن به منظور تقرب جستن،^{۱۲} ورود فرد مُحرم به خانه از راه پشت‌بام یا سوراخ‌های ایجادشده^{۱۳} به عنوان عملی نیکو^{۱۴} و بر مبنای خرافه، طواف خانه‌ها و بت‌ها (طواف‌الدوار) به عنوان رکنی از ارکان حج،^{۱۵} طواف قبور اشراف و بزرگان،^{۱۶} طواف بر گرد خانه کعبه با اعمالی چون مکاء و تصدیه (سوت‌زدن و کف‌زدن)^{۱۷} از اعمالی بودند که عمل عبادی حج را شرک‌آلود می‌ساخت. ازجمله بدعت‌های قریش این بود که بنابر رسم نیاکان و اجدادشان،^{۱۸} افرادی که برای طواف و انجام مراسم حج در مکه

۱. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۳۴۷.

۲. همان.

۳. الجارم، *الادیان العرب فی الجاهلیه*، ص ۴۷.

۴. الحوت، *فی طریق المیشولوجیا عند العرب*، ص ۱۴۷ - ۱۴۶.

۵. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۳۴۸.

۶. همان.

۷. همان، ج ۱۱، ص ۳۵۱.

۸. جمعی از نویسندگان، *ره توشه حج*، ج ۱، ص ۶۱.

۹. همان، ص ۶۰.

۱۰. همان، ص ۶۲.

۱۱. القسطلانی، *إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری*، ج ۸، ص ۲۷۶.

۱۲. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۲، واقدی، *المغازی*، ج ۲، ص ۸۳۲، حسنی، *سیرة*

المصطفی نظرة الجدیدة، ص ۵۹۰ - ۵۸۹، کلبی، *الاصنام*، ص ۳۳.

۱۳. این عمل حتی تا زمان پیغمبر خاتم نیز ادامه داشته و خداوند آن را نکوهش کرده است: «وَكَيْسَ الْبِرِّ يَأْنُ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَىٰ وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» بقره / ۱۸۹.

طبری، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۱۰۸، فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۱، ص ۳۲۷.

۱۴. طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۱۴۰.

۱۵. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۱۶. همان.

۱۷. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۴، ص ۸۳۰.

۱۸. میرحسینی و فلاح، *شیوه مبارزه پیامبر با فرهنگ جاهلی*، ص ۶۲.

حاضر می‌شدند، می‌بایست با لباسی که مخصوص قریش بود، طواف را انجام می‌دادند و غیر از آن را اجازه نداشتند.^۱ به همین علت، افرادی که برای اولین بار جهت انجام حج در کنار کعبه حاضر می‌شدند،^۲ لباس مخصوص طواف قریش را نیز به همراه داشتند و با آن لباس، طواف را انجام می‌دادند و اگر آن لباس را نمی‌یافتند،^۳ به صورت برهنه و بدون لباس، طواف می‌کردند^۴ که در این حالت تفاوتی بین مردان و زنان وجود نداشت، مگر اینکه زنان لباس بسیار اندکی بر گرد خود قرار می‌دادند.^۵ بزرگانی که در چنین شرایطی قرار می‌گرفتند و لباسی برای آنها پیدا نمی‌شد، با لباس خود، طواف را انجام می‌دادند، اما بعد از انجام طواف، دیگر حق استفاده از آن لباس را نداشتند و آن را رها می‌کردند که این لباس‌ها به «لقی» معروف شده بودند.^۶ این وضعیت طواف که از نوآوری‌های قریش (بدعت‌ها) به حساب می‌آمد، تا زمان بعثت رسول خدا نیز ادامه داشت.^۷ میل انسان‌ها به داشتن معبود برای ستایش و پرستش، موجب گشته در تمام جوامع و در طول تاریخ، دنبال معبود و موجودی برای پرستش و عبادت باشند و با این کار، آرامش، معنویت و پناهی برای خود فراهم سازند و در این زمینه احساس خلأ نکنند. به همین خاطر تلاش خود را برای یافتن آن معبود انجام داده و پس از یافتن او رفتارها و اعمالی انجام می‌دهند تا او را همواره از خود راضی نگه دارند و با این کار، خود نیز احساس رضایت و آرامش کنند.

در جامعه جاهلی عصر جاهلیت برای پرستش بهتر معبود خود (بت‌ها) آنها را تزئین، و بر گرد آنها طواف و برایشان قربانی می‌کردند تا بدین وسیله ارادت خود را به آن معبودها اثبات کنند و نشان دهند. آگاهی به خالقیت خداوند در بین بت‌پرستان وجود داشت، اما به این آگاهی باور نداشتند و به همین علت رفتارهایی متضاد با این آگاهی، مثل طواف و قربانی برای بت‌ها رخ می‌داد. به عبارتی دیگر، در بین مردم جامعه جاهلی بینش و باور درستی درباره مسئله عبادت و پرستش وجود نداشت و همین نبود باور صحیح موجب پدید آمدن عبادت‌هایی نادرست و بر مبنای شرک، هواهوس، دنیاپرستی می‌شد.

نتیجه

با توجه به نظام‌مند بودن فرهنگ در سه ساحت بینش، ارزش و رفتار، در تحلیل رفتارهای موجود در هر

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۴۵۲.

۲. علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۱، ص ۳۶۰.

۳. رسولی، *زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام*، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴. همان؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ج ۴، ص ۸۳۱؛ علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ص ۳۶۰.

۵. همان.

۶. همان.

۷. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۴۵۳ - ۴۵۲.

جامعه باید به دو لایه بینشی و ارزشی به عنوان لایه‌های رفتار ساز توجه کرد. طبق نتیجه به دست آمده از این پژوهش در تحلیل پیدایی رفتارهای عبادی جامعه جاهلی قبل از بعثت بر پایه بینش، بینش و باورهای ناصوابی چون نقص در ربوبیت تکوینی و خدا باوری، دنیا طلبی و دنیا دوستی به عنوان خاستگاه بینشی عبادت‌های جاهلی، در کنار شرک در خالقیت و عبادت، باعث گردید جامعه جاهلی دچار انحراف و انحطاط در عبادت شود و عامل پیدایی رفتارهای عبادی غیر صحیح در عصر جاهلی گردید. از این رو رفتارهایی مانند بت پرستی، پرستش اجرام آسمانی، و پرستش ملائکه و اجنه، و حج جاهلی را به نام عبادت، بر اساس نقص در باور به ربوبیت تکوینی و انحصار جهان هستی به دنیا به عنوان رفتار عبادی، از خود بروز داده‌اند.

در پایان، به مهم‌ترین مسئله‌های برآمده از این پژوهش اشاره می‌شود:

ردیف	عنوان
۱	بررسی نقش تغییر ارزش‌ها در پیدایی عبادت جاهلی در زیست مبتنی بر مدرسه سقیفه از نظرگاه ائمه <small>علیهم‌السلام</small>
۲	شاخصه‌شناسی عبادت جاهلی مبتنی بر منظومه فکری امیر مؤمنان <small>علیه‌السلام</small> در نهج البلاغه
۳	نقش دنیاگرایی در تحقق عبادت جاهلی مبتنی بر منظومه فکری امام سجاد <small>علیه‌السلام</small> در صحیفه سجادیه
۴	جایگاه ارزش «دنیانگری» در تعمیق پرستش باری تعالی مبتنی بر فرهنگ قرآن بنیاد
۵	مصادق‌شناسی تاریخی نقش دنیا طلبی در تحقق عبادت جاهلی در صدر اسلام
۶	ترفندشناسی فرهنگی امویان در احیای «عبادت جاهلی» در جامعه اسلامی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. محمد شریف الرضی. محمد (۱۳۹۲). ترجمه: محمد دشتی. پیام قدس.
- آلوسی، محمود شکری (۱۹۰۴ م). *بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*. تصحیح: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ابن حیب، محمد بن حیب (۱۴۲۱ م). *المحبر*. مصر: دار الغد العربی.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- الازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله (۱۴۱۶). *أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*. تحقیق: رشدی الصالح ملحق. قم: الشریف الرضی. الطبعة الاولى.

- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار الایحاء التراث العربی.
- افرام بستانی، فؤاد (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. تهران: اسلامی.
- انوری، دکتر حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- ایزتسو، توشیکیهو (۱۳۸۳). *مفاهیم دینی - اخلاقی در قرآن مجید*. ترجمه: محمد بندر ریگی. تهران: اسلامی.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۱ ق). *شعب الایمان*. تحقیق: ابو هاجر محمد سعید زغلول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۵). *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*. تهران: تمدن نوین اسلامی.
- تی اس، الیوت (۱۳۶۹). *درباره فرهنگ*. ترجمه: حمید شاهرخ. تهران: نشر مرکز.
- الجارم، محمد نعمان (۱۹۲۳ م). *الادیان العرب فی الجاهلیة*. مصر: مطبعة السعادة بجوار محافظة مصر.
- الجبوری، یحیی (۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸). *الجاهلیة*. بغداد: مطبعة المعارف.
- الجحانی، الحیب (۱۹۸۵ م). *التحول الاقتصادي والاجتماعی فی مجتمع صدر الاسلام*. بیروت: دار الغرب اسلامی.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۸). *نظریه فرهنگی شهید مطهری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸). *آینده فرهنگ‌ها*. ترجمه: زهرا فروزان سپهر. تهران: تمدن نوین اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *ره توشه حج*. تهران: مشعر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *توحید در قرآن*. قم: اسراء.
- حاج حسن، حسن (۱۹۸۳ م). *حضارة العرب فی صدر الاسلام*. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والتوزيع.
- حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۶). *سيرة المصطفى نظرة الجديدة*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- الحوت، محمود سلیم (۱۹۵۵ م). *فی طریق المیتولوجیا عند العرب*. بیروت: دار النهار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذو علم، علی (۱۳۹۲). *فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ذو علم، علی (۱۳۹۷). *فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار العلم.

- رحمانی، جعفر (۱۳۹۴). **مدیریت فرهنگی**. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
- رسولی، سید هاشم (۱۳۷۵). **زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام**. تهران: کتابچی.
- زبیدی، مرتضی، محمد بن (۱۴۱۴ م). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). **فروع ابدیت**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شنایدر، سوزان سی و ژان - لوئی بارسو (۱۳۷۹). **مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها**. ترجمه: محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۰۴). **الملل والنحل**. تحقیق: محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفة.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۷۸). **بیگانگی ارزشی با جوانان. نشریه نامه پژوهش**. ۴ (۳).
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: انتشارات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن** تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق). **تفسیر جوامع الجامع**. قم: انتشارات مرکز مدیریت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). **التبیین فی تفسیر القرآن**. تصحیح: احمد حبیب عاملی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- عاشوری، داریوش (۱۳۸۰). **تعریف‌ها و فرهنگ‌ها**. تهران: نشر آگه.
- عبدالملک القسطلانی، أحمد بن محمد (۱۳۲۳ ق). **إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری**. مصر: المطبعة الكبرى الأميرية.
- عبدی، عباس (۱۳۹۱). **نظام فرهنگی اجتماعی مطلوب در قرآن**. قم: دانشگاه قم.
- علی، جواد (۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م). **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**. بیروت: دارالساقی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: راه رشد.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). **قاموس المحيط**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). **نقد تاریخیت قرآن. فصلنامه مطالعات تفسیری**. ۲ (۲).

- قطب، محمد (۱۳۵۹). *جاهلیت قرن بیستم*. ترجمه: محمدعلی عابدی. تهران: انقلاب
- قنبری، آیت (۱۳۸۳). *نقدی بر اومانیسم و لیبرالیسم*. قم: فراز اندیشه.
- کالینیکوس، الکس (۱۳۸۳). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*. ترجمه: اکبر معصوم‌بیگی. تهران: نشر آگه.
- الکلبی، هشام بن محمد (۲۰۰۰ م). *الاصنام*. تحقیق: أحمد زکی باشا. القاهرة: دار الکتب المصریة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. تصحیح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). *تهاجم فرهنگی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶). *آموزش عقاید*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری*. قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*. تهران: ادنا.
- میرحسینی، سید صفیه و دکتر ابراهیم فلاح (۱۳۹۴). *شیوه‌های مبارزه پیامبر با فرهنگ جاهلی*. قم: بوستان کتاب.
- ناس، جان (۱۳۵۴). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه: علی اصغر حکمت. تهران: پیروز.
- ناظمی اردکانی، محسن، و مهدی فتح‌الله بیاتی (۱۳۹۸). *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*. تهران: آثار فکر.
- نوری، یحیی (۱۳۸۴). *جاهلیت و اسلام*. تهران: نوید نور.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹ م). *المغازی*. تحقیق: مارسدن جونس. بیروت: دار الأعلمی.
- یعقوبی، محمد (۲۰۰۰ م). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار الصادر.
- یوسفی غروی، محمد هادی (۱۳۷۸). *موسوعة التاریخ الاسلامی*. قم: مجمع الفکر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی